

کشف جسد زن سالخورده

در سطل زباله

مأموران پلیس تهران جسد زن سالخورده‌ای را که به طرز مرموزی به قتل رسیده بود، در سطل زباله کشف کردند.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۷:۲۰ شنبه ۲۲ تیرماه قاضی شعبانی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۱۷ جوادیه تهرانپارس از کشف جسد زن سالخورده‌ای با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی راهی محل شدند. تیم جنایی در محل حادثه زن جسد زن سالخورده‌ای روبه‌رو شدند که پس از قتل در ناپلونی بیجانده و سپس داخل کارتن بزرگی گذاشته و در سطل زباله رها شده بود. نخستین بررسی‌ها نشان داد جسد را مرد زباله جمع‌کنی کشف کرده و به مأموران خبر داده است. همچنین مشخص شد این زن با لباس خانگی به قتل رسیده است که حکایت از این داشت عامل یا عاملان قتل، وی را در خانه‌اش به قتل رسانده و سپس جسد را در این مکان رها کرده‌اند. تیم پزشکی قانونی هم اعلام کرد مقتول حدود دوساعت قبل به قتل رسیده است. بدین ترتیب مأموران جسد مقتول را برای شناسایی به پزشکی قانونی منتقل کردند و همچنین به دستور قاضی شعبانی تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی قاتل یا قاتلان آغاز کردند.

قتل به خاطر کینه قدیمی

پسر جوانی که دوستش را به خاطر کینه قدیمی به قتل رسانده بود، بار دیگر محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار ما، رسیدگی به این پرونده از نهم خردادماه سال گذشته با اعلام محقودی پسر جوانی به نام کیوان به جبران افتاد. مادر کیوان به مأموران گفت: «پسرم امروز با یکی از دوستانش به نام ارش از خانه بیرون رفت، اما دیگر بازنگشت، تلفن همراهش نیز خاموش است.»

باطرح این حکایت، آرش مورد تحقیق قرار گرفت تا اینکه در مراحل بازجویی به قتل دوستش کیوان اعتراف کرد و گفت: «شنایی من و مقتول از دوران مدرسه آغاز شد. در این سال‌ها با هم خیلی رفت و آمد داشتیم تا اینکه روزی در خانه آنها به حمام رفتم و او پنهانی توانست عکس‌های خصوصی‌ام را بگیرد. بعد با تهدید انتشار عکس‌ها مرا از داد او نه تنها به من بلکه به یکی از دوستانم به نام فرشاد نیز باز تعرض کرده بود.» متهم در خصوص قتل گفت: «روز حادثه او را سوار کردم تا با او صحبت کنم، اما وقتی موضوع را مطرح کردم عصبانی شد و با هم درگیر شدیم. در آن درگیری با چاقو یک ضربه به زدم و از ترس جسد را به حاشیه فرودگاه امام بردم و آتش زدم.» پس از اعتراف مأموران باقی جسد مقتول را کشف کردند. متهم پس از تکمیل پرونده در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد و بعد از درخواست قصاص از سوی اولیای‌دم از خودش دفاع کرد. در پایان هیئت قضایی، جلسه راه‌با تاریخ دیگری موکول کرد. صبح دیروز پرونده بار دیگر روی میز هیئت قضایی همان شعبه به ریاست قاضی قران‌زاده قرار گرفت. ابتدا اولیای‌دم درخواست قصاص کردند. سپس فرهاد دوست متهم در جایگاه قرار گرفت و حرف‌های متهم را تأیید کرد و گفت مقتول به او هم تعرض کرده است. در ادامه متهم در آخرین دفاعش گفت: «پس از تعرض کیوان به من از او کینه به دل گرفتم و از خودم بدم آمدم. بدو، که نقشه قتل را کشیدم، اما آن لحظه پشیمان شدم.» در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

نجات ۹ دانش آموز از طغیان رودخانه

امدادگران با هلی‌کوپتر ۹ دانش آموز گرفتار شده را از طغیان رودخانه‌ای در شرق تهران نجات دادند.

به گزارش خبرنگار ما، خالدي سختگوي اورژانس کشور درباره این حادثه گفت: صبح دیروز ۴۴ دانش آموز رده سنی ۱۳ تا ۱۶ سال با مجوز اداره محیط زیست برای تفریح به منطقه خجیر پایین دست پارچین می‌روند.

دانش آموزان در کنار رودخانه در حال تفریح بودند که ۹ نفر از آنها در قسمت خشکی داخل رودخانه می‌روند اما پس از آنکه جریان و سطح آب بر اثر باز شدن آب سد لتیان زیاد می‌شود، این ۹ نفر گرفتار



قاتل بخشیده شده دوباره مرتکب قتل شد!

مرد جوانی که چند سال قبل در نزاعی مرتکب قتل شده بود، پس از گرفتن رضایت از اولیای دم و آزادی از زندان در حادثه دیگری دوست صمیمی‌اش را به قتل رساند.

به گزارش خبرنگار ما، بررسی پرونده مجرمان نشان می‌دهد اغلب مجرمان پس از آزادی دوباره وارد چرخه جرم می‌شوند که این موضوع حکایت از این دارد نه تنها در بعضی موارد اجرای قانون برای مجرمان بازدارنده نیست که در بسیاری از موارد مشخص می‌شود مجرمان شیوه‌های جدید ارتکاب جرم را هم در زندان فرا گرفته‌اند. مردی که پس از آزادی از زندان در حادثه‌ای مرتکب قتل دوستش شده بود، نمونه اینگونه پرونده‌هایی است که پلیس در دست بررسی دارد.

این حادثه مرگبار ساعت ۲۲:۳۰ شامگاه ششم اسفندسال گذشته به مأموران کلانتری ۱۳۱ شهر ری اطلاع داده شد. مأموران در محل حادثه پارک شهید جهان آرا در حوالی جوانسرود قصاب با جسد پسر ۲۵ساله‌ای به نام کامیار روبه‌رو شدند که با اصابت ضربه چاقویی به گردن



مرد جوانی که چند سال قبل در نزاعی مرتکب قتل شده بود، پس از گرفتن رضایت از اولیای دم و آزادی از زندان در حادثه دیگری دوست صمیمی‌اش را به قتل رساند. به گزارش خبرنگار ما، بررسی‌های مأموران نشان داد، مقتول لطفانی قبل با یکی از دوستانش به نام هرمز که شرور معروف محل است نزاع خونینی را رقم می‌زند که در نهایت با ضربات چاقوی هرمز به قتل می‌رسد. در تحقیقات میدانی مأموران دریافتند قاتل که از متهمان سابقه دار است، چند سال قبل در درگیری مرتکب قتل می‌شود، اما پس از چند سال و گرفتن رضایت از اولیای دم از زندان آزاد می‌شود و دوباره در درگیری امروز، دوست چند ساله‌اش را به قتل می‌رساند و از محل فرار می‌کند.

بدین ترتیب مأموران همزمان با ادامه تحقیقات هرمز را به عنوان قاتل فراری تحت تعقیب قرار دادند تا اینکه پس از گذشت شش ماه وی را در مخفیگاهش در یکی از استان‌های همجوار تهران شناسایی و دستگیر کردند.

متهم پس از انتقال به اداره پلیس با اعتراف به قتل کامیار در ادعایی گفت: مقتول دوست هشت‌ساله و صمیمی من بود. مدتی قبل مبلغی به کامیار قرض دادم تا اینکه دستم خالی شد و از او خواستم بدهی‌اش را بپردازد، اما او مرا

امروز و فردا می‌کرد و اصلاً به درخواستم توجهی نمی‌کرد. باتوق من و کامیار در پارک شهید جهان آرا بود و همیشه برای دیدن یکدیگر آنجا قرار می‌گذاشتیم. روز حادثه در مغازام بودم که با او تماس گرفتم و سؤال کردم کجایی؟ که گفت باتوق همیشه‌گی. بعد از آن بود که در مغازه را بستم و حدود ساعت ۱۰ شب به پارک رفتم. ابتدا کمی با هم خوش‌وبش کردیم و بعد از او خواستم که طلب مرا بدهد که عصبانی شد و به من فحاشی کرد. وقتی درگیری ما بسلا گرفت او چاقویی از جیبش بیرون آورد و یک ضربه به دستم زد که من هم چاقویم را از جیبم بیرون آوردم و دو ضربه به گردن او گمروا زدم. کامیار غرق در خون نقش بر زمین شد و من هم از ترس از محل گریختم به یکی از شهرهای نزدیک استان تهران فرار کردم و مخفی شدم اما در نهایت مأموران پس از شش ماه در مرا زنده و دستگیر شدم.

سرنهنگ علی ولیپور گودرزی، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ با اعلام این خبر گفت: تحقیقات از متهم ادامه دارد.

پسر ناخلف محاکمه می‌شود

پسر ناخلفی که متهم است، سال گذشته پدرش را با ضربات جسم سختی به سرش به قتل رسانده است به زود در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما، اوایل آبان‌سال گذشته بود که مأموران پلیس با تماس تلفنی کارکنان بیمارستانی از مرگ مشکوک مرد سالخورده‌ای به نام قنبر با خبر و راهی محل شدند. بررسی‌های مأموران حکایت از این داشت مرد فوت‌شده چندروز قبل در حالی که از ناحیه سر زخمی شده بود، برای درمان به بیمارستان منتقل می‌شود. اما در نهایت فوت می‌کند. همچنین مشخص شد وی پس از اینکه کمی حالش بهتر می‌شود به کارکنان بیمارستان و مأموران بیمارستان می‌گوید که از سوی پسر جوانش به نام هوتن مورد ضرب و جرح قرار گرفته است. در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت پزشکی قانونی علت اصلی مرگ مرد سالخورده را ضربات جسم سخت به سر اعلام کرد.



بدین ترتیب با مشخص شدن علت مرگ قنبر، پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی به دستور قاضی دشتیان، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران برای بررسی وارد عمل شدند. تیم جنایی در نخستین گام از دو دختر مقتول تحقیق کردند. یکی از دختران مقتول گفت: من و خواهرم هر دو ازدواج کرده‌ایم. پدرم پس از مرگ مادرم با برادرم زندگی می‌کرد تا اینکه متوجه شدیم پدرمان مصدوم و به بیمارستان منتقل شده است. پدرم در بیمارستان به من گفت که با برادرم هوتن درگیر شده و هوتن او را کتک زده است. پس از این مأموران هوتن را به اتهام قتل پدرش دستگیر کردند.

متهم در بازجویی‌ها با اقرار قتل پدرش در ادعایی گفت: پدرم با من زندگی می‌کرد و من با او مشکلی نداشتم که او را بخوام کتک بزنم. پدرم چند باری در خانه تعادلش را از دست داده و به زمین خورده بود. روز حادثه او تعادلش را از دست داد و به زمین خورد که مصدوم و بی‌هوش شد. پس از این حادثه او را برای درمان به بیمارستان بردم که چندروز بعد حالش بهتر شد، اما دوباره حالش بد شد و فوت کرد.

در حالی که متهم قتل را انکار می‌کرد، قاضی پرونده با توجه به دلایل و مدارک کیفرخواست هوتن را بر جرم قتل عمدی پدرش صادر کرد. از سوی دیگر دو دختر مقتول هم برای برادرشان درخواست قصاص دادند. بنابراین متهم به زودی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود.

به همت نیکوکاران البرزی

معجزه زندگی یک زندانی زن که مسلمان شد



در حالی که بنا بر گزارش مددکاری زندان، "ماریا" برای دیگر مددجویان ایجاد اشتغال کرده و در ارائه خدمات به زندانیان از جایگاه خوبی برخوردار بود، زندانیان زن در گلرستان، مبلغی برای پرداخت دیه و آزادی وی جمع‌آوری کردند اما هنوز راه زیادی تا آزادی این زندانی بی‌ملاقاتی مانده بود. بدین ترتیب زوج نیکوکار البرزی با فرستادن نماینده خود به دفتر دادستان کرج، نامه آزادی این زن را امضا کردند.

■ **می‌خواهم بنده خوب خدا بمانم**
"رف" نیکوکار جوان البرزی ضمن قدردانی از همراهی و تلاش‌های حسین فاضلی، رئیس کل دادگستری استان البرز و حاجی رضا شاکرمی، دادستان عمومی استان البرز گفت: امیدوارم سرگذشت عبرت‌آموز این زن پر تلاش که آگاهانه و بر اساس شناخت و مطالعه به دین اسلام گرویده است، از یادها نرود. خوشحالم که خداوند، من و همسرم را لایق کمک به این بنده گرفتار دانست و برای این اجر بزرگ، انتخاب کرد. شایستگی خدمت به انسانهای در مانده و گرفتار، نعمتی است که امیدوارم در خانواده ام پابرجا و پایدار بماند و این بزرگترین سرمایه برای فرزندانم است. نیکوکار البرزی افزود: قلم از شادی مردم کشورم، آرامش می‌یابد و با رفع نیاز هر انسان دردمند است که می‌توانم بنده خوب خدا باشم و از زندگی لذت ببرم. آرامش درونیم را از رضایت پروردگار و دعاهای خوب مردم دارم و این حال خوب برایم بارزترین ثروت و دارایی است.

■ **رف** که با اتفاق بخشی از اموال خود موسسه "فردوس برین" را جهت شناسایی و حمایت از محرومین واقعی راه اندازی کرده است، تأکید کرد: خوشبختانه تا کنون این موسسه نتایج برابری داشته است و توانسته ام با اعزام ۷۵۰ نفر از مشتاقان محروم به کربلا، ساخت چند مسجد، اعزام سه محموله برای کمک به سیلزدگان، تهیه مسکن برای نیازمندان، برگزاری جشن ازدواج ۴۰ زوج جوان، پرداخت هزینه درمان بیماران سرطانی، آزادی تعداد زیادی از زندانیان بدهکار و... نسبت به پروردگارم ادای دین نمایم.

نامیدی و دغدغه و سرشار از امید گذراندم...

■ **تلاش مدعی العموم برای آزادی "ماریا"**
"حاجی رضا شاکرمی" دادستان عمومی و انقلاب استان البرز با اطلاع از اینکه به تازگی اولیای دم حاضر شده‌اند با دریافت دیه از مجازات "ماریا" صرف نظر کرده و از قصاص وی چشم‌پوشی کردند، از زوج نیکوکار البرزی که بارها برای آزادی زندانیان بدهکار پیشقدم شده‌اند دعوت کرد تا اجر معنوی نجات این زن ۵۰ساله را در کارنامه روشن زندگی‌شان به یادگار بگذارند.

می‌شود: "پای میز محاکمه با تمام وفاداریم به همسرم ایستادم و متهم به قتل عمد شدم. منتظر ماندم تا نامزد جوانم به وعده‌اش عمل و رضایت همسایه‌شان را جلب کند، اما خصوصت آنها با همدیگر ریشه دارد. حالا از آن روزها ۱۸ سال می‌گذرد و من بی‌ملاقاتی، روزهای پر اضطراب و پرانتظاری را پشت سر گذاشته‌ام."

■ **روزهای روشن یک زن در تاریکی زندان**
۴ سال پیش در سایت سازمان زندانهای استان البرز گزارشی از یک مددجوی مسیحی به نام

مسلمان می‌گذشت و خوشبخت بودم. همسرم در استخر خانه شنا می‌کرد و دختر ۶ساله همسایه دیوار به دیوار مان هم در حال بازی با ساگ‌مان بود. بی‌خبر از حادثه‌ای که در راه بود، نمی‌دانستم عمر خوشبختیم از عمر دخترک نیز کوتاهتر است. دخترک بی‌خبر به داخل استخر افتاد و بر اثر ضربه سرش به پلکان بیپوش شد. همسرم هراسان او را به بیمارستان رساند و من همسایه را باخبر کردم. اولین برگ از این پرونده جنایی با این گزارش ثبت شد.

ماریا به حلقه‌ای که هنوز در دستش است، خیره

نوعروس مسیحی که ۱۸سال به اتهام قتل عمد بدون هیچ ملاقاتی در زندان بود، در حالی از مجازات قصاص رهایی یافت و به زندگی دوباره بازگشت که مسلمان شده است.

■ **معجزه زندگی زن فرانسوی**
نماز صبح امروز حال و هوای دیگری دارد. انگار چیزی در قلب "ماریا" می‌شکند. یا علی می‌گوید و از جا بر می‌خیزد. همان دادخواهی که این روزها بارها با تمام وجود صدایش زده و باورش دارد. باور کرده که نجاستش می‌دهد از ظلمی که نکرده و گناهی که به جان خریده است. اشک ناخواسته بر روی گونه‌های زن جاری می‌شود اما نمی‌خواهد نامید شود. او درک درستی از "توکل" دارد.

ماریا هرگز خوشبخت نبوده اما همیشه حق انتخاب داشته است. این زن تا نفس دارد، پای انتخابش ایستاده است. چه انتخاب یک شوهر ایرانی با وجود سخت‌گیری‌های خانواده و بی‌وفایی‌های او، چه تغییر دینش از کاتولیک به مسلمان پشت دیوارهای سرد و سنگین زندان. خودش می‌گوید: مادرم فرانسوی و پدرم ایرانی بود. وقتی یکساله بودم، مادرم ترک‌مان کرد و به کشورش برگشت. ۸سال پیش هم پدرم جان سپرد و تنهایی تنها شدم. من کاتولیک بودم و به تازگی مسلمان شدم. دیگر کسی مرا نمی‌شناسد و حتی کوجه‌های شهر هم جای قدمهایم را از یاد برده‌اند.

■ **یادآوری حادثه شوم**
آرامش در وجود زن میانسال موج می‌زند. اما از یادآوری خاطرات آن روز شوم، آهی می‌کشد و چشمان دریاپی‌اش، طوفانی می‌شود: "در شیراز زندگی می‌کردیم. ۲۰روز از نامزدی‌ام با یک مرد